

« بررسی و مقایسه دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی فرخی یزدی (ایران) و جمیل صدقی الزهاوی (عراق) »

دکتر معصومه نعمتی قزوینی^۱

چکیده

پیوند ادبیات و جامعه پلی است که از رهگذر آن می‌توان فضای حاکم بر هر جامعه‌ای را در دوره‌های گوناگون بازترسیم نمود. فرخی یزدی (۱۲۶۸-۱۳۱۸) شاعر دوره مشروطه در ایران و جمیل صدقی الزهاوی (۱۸۶۳-۱۹۳۶م) شاعر عصر نهضت در عراق، هر دو از چهره‌های برجسته ادبی در دوره خویش بوده و در عین حال به عنوان شاعران سیاسی در ادبیات این دو ملت شناخته می‌شوند. بررسی تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران و عراق در این دو دوره (مشروطه و نهضت) گویای شباهت‌هایی است که در شعر این دو شاعر نیز به طور تقریباً همسان نمود یافته است. یافته‌های پژوهش حاضر که با رویکرد ادبیات تطبیقی (مکتب آمریکایی) و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به مقایسه دیدگاه‌های سیاسی شاعران برگزیده پرداخته، نشان دهنده اثرپذیری هر دو شاعر از شرایط سیاسی-اجتماعی عصر خویش است که در محورهایی مانند میهن دوستی، استبدادستیزی، استعمارستیزی، دعوت به علم آموزی و مبارزه با فقر قابل بررسی است. **واژگان کلیدی:** شعر پارسی، شعر عربی، ادبیات تطبیقی، فرخی یزدی، جمیل صدقی الزهاوی.

نگاهی به زندگی دو شاعر برگزیده

۱-۱- فرخی یزدی

محمد فرخی یزدی (۱۲۶۸-۱۳۱۸) شاعر و روزنامه نگار آزادی خواه و دموکرات صدر مشروطیت است. او اولین بار در سن پانزده سالگی به دلیل سرودن اشعاری علیه مدیران خود، از مدرسه اخراج گردید. در آغازین روزهای مشروطیت و پیدایش حزب دموکرات در ایران، فرخی از دموکرات‌های جدی و در شمار آزادی خواهان شهر یزد قرار گرفت. در نوروز ۱۲۸۸ اشعاری را خطاب به حاکم یزد سرود که موجب گردید ضیغم الدوله قشقایی - حاکم وقت - دستور دهد دهان او را دوخته و به زندان بيفکنند. در اوایل دوره جنگ اول جهانی به عراق مهاجرت کرد و مورد تعقیب انگلیسی‌ها قرار گرفت تا این که دوباره مجبور شد با پای برهنه ایران بازگردد. در دوره وثوق الدوله نیز با حکومت وی و قرارداد ننگین ۱۹۱۹ به مخالفت پرداخته و مدت زیادی را در زندان سپری نمود. فرخی سردبیر روزنامه "طوفان" بود که بارها از طرف حکومت توقیف شد. پس از آن نیز بارها به دلیل مخالفت با برخی سران و نقد وضعیت سیاسی حاکم به زندان رفت. سرانجام آخرین بار که فرخی در زندان به سر می‌برد به دلیل سخن چینی جاسوسان زندان، از زندان قصر به زندان موقت تهران منتقل شده و در سلول انفرادی قرار می‌گیرد تا اینکه در شب ۲۵ مهر ماه ۱۳۱۸ با تزیق آمپول هوا به قتل می‌رسد. (ر.ک. سه شاعر انقلابی، داود علی بابایی، ۱۳۸۴)

۱-۲- معروف الرصافی

جمیل صدقی الزهاوی در سال ۱۸۶۳ م در بغداد در دامن پدر و مادری کردتبار متولد شد. پدرش محمد فیضی الزهاوی، مفتی بغداد بود که با زبانهای ترکی و فارسی آشنایی داشت. وی از سن جوانی به آشنایی با علوم و نظریات جدید علاقه فراوانی داشت و از این رو آثار نویسندگان و اندیشمندان همچون داروین، شکسپیر، هوگو، گوته و تولستوی را مورد مطالعه قرارداد. آشنایی با ادبیات جهان و برخی علوم جدید سبب ایجاد تحولی شگرف در تفکر و اندیشه زهاوی شد. آشنایی با تحولات غرب از یک سو و فقر و عقب ماندگی فرهنگی و مادی جهان سوم از سوی دیگر او را به سوی مسیر نواندیشی سوق داد. وی در طول عمر خود با وجود ضعف و بیماری توانست شغل‌های

متعددی از جمله تدریس در بغداد و استانبول، ریاست چاپخانه رسمی بغداد، تألیف و ترجمه مقاله برای روزنامه‌ها و مجلات را برعهده گیرد. او به دلیل اندیشه‌های نو و آزادی خواهانه‌ای که داشت بارها برضد ظلم و جور حاکمان عثمانی شعر سرود و حتی مدتی را هم در زندان سپری نمود. زهاوی پس از سالها تلاش و مبارزه در جهت بهبود مسائل سیاسی و اقتصادی جامعه خویش در ۲۴ فوریه ۱۹۳۶ برابر با ۱۳۱۴ ش چشم از جهان فرو بست. (رک. شامی، ۱۹۹۹: ۱۱۰ و الرشودی، ۱۹۶۶: ۴۱ و ناجی، ۱۹۲۹: ۲۴ و جلیلیان، ۱۳۸۱: ۳۳-۴۸)

۲- نگاهی به اوضاع سیاسی - اجتماعی دوره فرخی و رصافی

۲-۱- دوره فرخی

جنبش مشروطیت بدون شک از رویدادهای مهم و تأثیرگذار در تاریخ تحولات سیاسی ایران محسوب می‌شود. اثرات این رویداد در زندگی فرهنگی و سیاسی مردم، از سایر حوادثی که تا آن تاریخ در ایران پدید آمده بود، عمیق‌تر بوده است. شکی نیست که نارضایتی عمیق جامعه ایران در سالهای حکومت قاجار، ریشه اصلی اعتراضات مردمی علیه دولت و زمینه‌ساز شکل‌گیری نهضت مشروطیت بود. به عبارت دیگر هرج و مرج و فساد در دستگاه اداری، تهی شدن خزانه مملکت بر اثر اسراف و ولخرجی‌های شاهان و درباریان، انجام مسافرت‌های مکرر و غیر ضروری مظفرالدین‌شاه به فرنگ از طریق دریافت وام با شرایط سنگین از دولتهای بیگانه و تحمیل مالیات‌های کمرشکن بر مردم، قحطی فزاینده در تهران و شهرستانها، تسلط روز افزون بیگانگان بر کشور، افزایش بهای ارزاق عمومی، ظلم و تعدی مأموران قاجاری نسبت به مردم، بی حرمتی به مراجع تقلید و زیر پا نهادن احکام اسلامی، بحران مالی و سقوط اقتصادی کشور و اعطای امتیازات گوناگون به قدرت‌های استعماری، ریشه‌های انقلاب مشروطیت بودند. مرحله جدی و تعیین کننده نارضایتی‌های مردمی در ایران در دوران صدارت شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله و در ماههای میانی ۱۲۸۴ ه.ش آغاز شد. تشدید بحران اقتصادی کشور همراه با بی حرمتی عین‌الدوله به بازاریان، بازرگانان و علمای روحانی سبب تشکیل اجتماعات مردم در مساجد و حرم حضرت عبدالعظیم و درخواست آنان مبنی بر کناره‌گیری عین‌الدوله شد.

آنچه که در تاریخ، مبنای شکل‌گیری «مشروطه» شناخته شده، صدور فرمان تأسیس مجلس در مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی است. از این تاریخ تا حادثه کودتای رضاخان که به منزله مرگ مشروطیت بود طی یک دوره ۱۵ ساله، ایران شاهد حوادث فراوانی بود. مجلس اول مشروطه ۲ سال پس از شروع در ۱۲۸۷ توسط نظامیان روس و به یاری حکومت وقت که مشروطیت را تهدیدی علیه پایه‌های قدرت خود می‌دانست به توپ بسته شد. سپس در فضای اختناق ایجاد شده بسیاری از رجال آزادیخواه و روحانیون دلسوز و معتمدین جامعه از جمله روزنامه‌نگاران به دار آویخته شدند. در مرحله بعد از یکسو تهران به تصرف مشروطه‌خواهان درآمد و از سوی دیگر وقوع جنگ اول جهانی سبب گسترش مداخلات قوای بیگانه در شمال و جنوب و غرب ایران شد. قراردادهای سری ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ نیز ایران را به مناطق تحت نفوذ آنها تبدیل کرد. نهضت مشروطیت شاهد ظهور و سقوط سه دوره مجلس، سه پادشاه قاجار و حدود ۳۰ دولت بود. این نهضت گرچه به سلسله یکصد و پنجاه ساله قاجار خاتمه بخشید ولی کودتای رضاخان نیز تیر خلاصی بر پیکره نیمه‌جان آن در سال پایانی قرن دوازدهم هجری شمسی محسوب می‌شد. بدین ترتیب نهضتی که اوائل سال ۱۲۸۵ با تحصن و اعتراض و فریاد مشروطه‌طلبان و آزادیخواهان اوج گرفت، در اواخر سال ۱۲۹۹ با کودتای رضاخان میرپنج سوادکوهی به خاموشی گرائید. (رک. کسروی، ۱۳۵۶)

۲-۲- دوره زهاوی

تا اوایل قرن شانزدهم میلادی تقریباً تمامی کشورهای عربی تحت سلطه حاکمیت عثمانی درآمد. حکومت عثمانی اگرچه در این دوران، حکومتی متمرکز و قدرتمند و از بسیاری جهات کارآمدتر از رقیبان غربی خود به شمار می‌آمد اما دیری نپایید که به دلایلی همچون دامنه وسیع متصرفات و وجود فاصله بسیار زیاد میان برخی از بخش‌ها تا پایتخت، رو به ضعف و افول نهاد.

از قرن شانزدهم تا هجدهم، سرزمین‌های عربی همچنان از چهره ای قرون وسطایی برخوردار بودند. نظام فئودالی عثمانی ضمن ممانعت از توسعه شهرنشینی سبب ایجاد شرایط بسیار بد اقتصادی و معیشتی برای دهقانان و کشاورزان این سرزمین‌ها شده بود. در سرتاسر قرن نوزدهم، دولتمردان عثمانی دست به اصلاحاتی زدند که همواره با مقاومت گروه‌های سنتی و واپسگرا روبرومی شد. ضعف صنعت، ساختارهای حکومتی ابتدایی، تسلط بیگانگان بر اقتصاد، گونه گونی زبان و دین، نوعی ساختار سیاسی پیچیده را در داخل امپراتوری عظیم عثمانی به وجود آورده و آن را در مقابل تهدیدهای خارجی و داخلی بیش از پیش آسیب‌پذیر نمود.

عراق در طی این سال‌ها از جهت اجتماعی و اقتصادی در وضعیت بسیار بدی قرار داشت. اصلاحات داخلی دولت عثمانی با تأخیر بسیار یعنی از اوایل دهه پنجم در این کشور آغاز گردید که اغلب به علت دیر و یا ناقص انجام شدن، نتایج چندانی را در پی نداشت. اقتصاد عراق تا دهه ششم همچنان در رکود کامل به سر می برد. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم همزمان با تکامل سرمایه داری در اروپا و آمریکای شمالی، مراحل مقدماتی انتقال از جامعه فئودالی به سرمایه داری در ترکیه و متصرفات آن با کندی صورت می گرفت. در طی این سال‌ها، سنگین شدن قرض‌های خارجی دولت عثمانی و افزایش سرمایه‌گذاری اقتصادی دولت‌های غربی، ابتدا به ضعف بنیه مالی و در نهایت به ورشکستگی کامل آن انجامید. عراق در طی این دوره به بازار مصرف کالاهای انگلیسی و مرکز تولید مواد خام مورد نیاز این کشور مبدل گشته بود. علاوه بر انگلستان، کشورهای دیگری همچون آلمان، اتریش، مجارستان، ایتالیا و بلژیک نیز، این کشور را صحنه رقابت‌های تجاری و سرمایه گذاری خود قرار داده بودند. وضعیت نابسامان عراق در قرن نوزدهم و بیستم به ایجاد بحران‌های شدید اجتماعی و فرهنگی انجامید که ناامنی، جهل و بی سوادگی، فقر، فساد، نابرابری‌های اجتماعی به ویژه در رابطه با زنان، مشکلات بهداشتی و معیشتی و در نهایت ضعف و رکود ادبی از نتایج آن بود. در جریان جنگ جهانی اول نیز حکومت عثمانی به طور کامل متلاشی گشته و از میان متصرفات آن عراق تحت اشغال استعمارگران انگلیس در آمد. (رک. پاسا دوست، ۱۳۶۹: ۳۰-۳۱ و دری نیک، ۱۳۶۸: ۲۴ و عزالدین، ۱۹۶۰: ۱۳-۱۹)

دانشگاه هرمزگان

مقایسه موضوعی اشعار دو شاعر فارسی

۳- مقایسه موضوعی اشعار دو شاعر فارسی

وطن پرستی

وطن پرستی یکی از موضوعات اصلی شعر فارسی در دوره مشروطه است. عشق به وطن به طور مستقیم و غیر مستقیم در لابلای اشعار فرخی قابل ملاحظه است. به نحوی که دردها و غمهای وطن را درد و غم خود می داند و با یادآوری وضعیت نابسامان کنونی و مجد و عظمت گذشته اشک خون از دیدگانش روان می سازد:

مرا بارد از دیدگان اشک خونی	بر احوال ایران و حال کنونی
غریقم سرایای در آب و آتش	زاه درونی ز اشک برونمی
چه شدملتی راکه یزدان ز قدرت	همی داد بر اهل عالم فزونی
خلیل وطن را زمرودیان بین	به جان آتش از دردهای درونی

(فرخی، ۱۳۸۰: ۲۵۴)

مورخان و سیاستمداران، قرن ۱۹ را قرن ملی گرایی می دانند زیرا با رشد فکری جوامع، این میل از حالت غریزی و فطری به صورت یک انگیزه اجتماعی درآمد. (السامرای، ۱۹۸۳: ۱۲) زهاوی از جمله نخستین شاعران عصر نهضت است که مردم را به میهن دوستی دعوت نمود و آنها را به وسیله اشعار خود از وضعیت جامعه آگاه می ساخت (بعینی، ۲۰۰۹: ۳۹) او در حدود سی صفحه از دیوانش را با عنوان (وحی الضمیر) به وطنش اختصاص داده و علاوه بر آن وطن گرایی در جای جای دیوانش به چشم می خورد. (جلیلیان، ۱۳۸۱: ۷۹) به باور وی عراق مادر همه مردم است و مردم همچون فرزندان آن که هرگاه حادثه ای برایش رخ دهد فرزندانانش به یاری او خواهند شتافت:

إنّ العراق لأمّ لنا و نحن بنوها
إذا لمّ ملمّ فإیننا منجدوها

(الزهاوی، ۱۹۷۹: ۲۰۲)

شاعر تا اندازه ای به وطنش عشق می‌ورزد که هنگام ترک آن گویی با معشوقه اش وداع می‌نماید. لیلی در قصیده «آنین المفارق» رمز عراق است:

عانتتني ليلي لوشك الفراق	فتلاقت دموعنا في الأعناق
قد رحلنا عن العراق جميعا	أنا و الشعر و الهوى باتفاق
چه شدملتي راکه یزدان ز قدرت	همی داد بر اهل عالم فزونی
	(الهلالی، ۱۹۷۹: ص خ)

استبدادستیزی

یکی از محورهای مهم اشعار فرخی استبدادستیزی است. فرخی شاعری بی پروا است که با صراحت سیاست‌های ظالمانه حکام را به باد انتقاد می‌گیرد. از جمله اشعار ضد استبدادی او قصیده ای با عنوان "شرح این قصه شنو از دو لب دوخته ام" است که در آن به صراحت زبان به نقد شیوه استبدادی ضیغم الدوله قشقایی حاکم وقت یزد گشوده است:

ضیغم الدوله چو قانون شکنی پیشه نمود	از همان پیشه خود ریشه خود تیشه نمود
خون یک ملت غارت زده در شیشه نمود	نی ز وجدان خجل و نی ز حق اندیشه نمود
تاخت در یزد چنان خنگ استبدادی را	کز میان برد به یکبارگی آزادی را
کرد پامال ستم قریه و آبادی را	خواست تا جلوه دهد سلک اجدادی را
	(فرخی، پیشین: ۲۷۲)

زهاوی نیز در برابر ظلم و بیدادگری حاکمان عثمانی سکوت اختیار نکرده و در پاره ای از اشعار خود، ستم آنان را مورد تاخت و تاز قرار می‌دهد. قصیده «الصارخه» خطاب به حکومت ظالمانه سلطان عبدالحمید است:

إن حزینتی فی أرض بادی	کل یوم فی شدة و از دیداد
ربّ أبذل لی قریها بالبعاد	طال فی بغداد فمض اضطهادی
	(زهاوی، ۱۹۷۹: ۱۷۴)

وی در جای دیگری عدالت را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنرا مانند ماه تمامی می‌داند که در پس ابرهای تیره ظلم و ستم پنهان مانده است. شاعر از ماه می‌خواهد که آشکار شود و سینه تاریکی را بدرد زیرا چه بسیار مردان فرهیخته ای که در نتیجه رواج ظلم و بیداد در زیر خاک خفته اند:

أیها العدل أنت بدر التمام	قد تواری لیلا وراء الغمام
أبد کیمما تشق جیب الظلام	کم کرام تحت التراب نیام
	(زهاوی، ۱۹۷۹: ۲۰۶)

استعمارستیزی

مبارزه با دخالت بیگانگان در امور کشور و هشدار نسبت به پیامدهای ناگوار آن از دیگر موضوعات مشترک در اشعار این دو شاعر است. فرخی به همان صراحت که از سیاست داخلی و استبدادحاکم انتقاد می‌کند، دخالت‌های بیگانگان به ویژه دولت بریتانیا را نیز مورد انتقاد قرار داده و آن را مایه سیه روزی ملت ایران می‌داند:

جز جفاکاری و بی رحمی و مظلوم کشی	شیوه و عادت دربار بریتانی نیست
فتنه در پنجه یک سلسله لرد است و مدام	کار آن سلسله جز سلسله جنبانی نیست
ملل از سرخی خون، روی سفیدند ولیک	هیچ ملت به سیه بختی ایرانی نیست
	(فرخی، پیشین: ۱۱۳)

وی در جای دیگری دولت بریتانیا را عامل غارت ثروتهای ملی ایران و در نتیجه شیوع فقر و تنگدستی در میان مردم برمی شمرد:

روزشادی نیست درشهری که ازهرگوشه‌اش
تا به کی با پول این یک مشت خلق گرسنه
با چنین نعمت که می‌بینند این مردم روا است
بینویان بهر نان هر شب نواخوانی کنند
صبح عی و عصر جشن و شب چراغانی کنند؟
شکرها تقدیم دربار بریتانی کنند!
(فرخی، پیشین: ۱۵۴)

زهاوی نیز از جمله شاعرانی است که اشعار خود را وسیله مبارزه با استعمارگران و به ویژه انگلیس قرار داد. او در بخشی از اشعار خود، مردم را آشکارا به انقلاب و مبارزه با استعمارگران فرا خوانده و از آنها می‌خواهد که در گوش آنان فریادهای آتشین و ویرانه‌شان سنگ بریزند و پاسخ شرارت آنان را به سختی بدهند:

صَوَّ عَلَى الْأَسْمَاعِ نَارًا
بُثِّوْا بِأُوجِهٍ مَنْ يَرِيدُو
سَنُوْا بِمَعْتَرِكِ الْحَيَا
هَبُّوْا كَرْوَبَعَهُ تَثِي
وَاحْشُوا فَمَ الْغَضَبِي حَجَارًا
نَ الشَّرُّورِ لَكَمْ شَرَارًا
هَ لِسَاعَةِ الدَّوْدِ الشَّفَارَا
رَ بَكَلِّ نَاحِيَهُ غِبَارَا
(زهاوی، ۱۹۷۹: ۱۶۷)

یکی از شعارهای انگلیس در هنگام ورود به عراق رساندن این کشور به استقلال بود. زهاوی در بخشی از اشعار خود پرده از فریبکاری انگلیس برداشته و استقلال مورد نظر استعمارگران را دروغین می‌خواند:

يَا قَوْمَنَا اسْتِقْلَالَكُمْ هُوَ كَاذِبٌ
إِنِّي عَلَى الْأَوْطَانِ أَنْفَقَ مَهْجَتِي
لَا مِثْلَمَا قَدْ صَوَّرَ الْمُتَمَلِّقُ
أَمَّا الدَّخِيلُ فَأَيُّ شَيْءٍ يَنْفِقُ
(زهاوی، ۱۹۷۹: ۳۰۵)

۵- مبارزه با جهل و دعوت به علم آموزی

فرخی یکی از مشکلات اساسی جامعه خویش را جهل و بیسوادی برشمرده و معتقد است تا جهل ملت به علم و آگاهی مبدل نشود بندگی و عقب ماندگی آنها نیز پایانی ندارد. وی حتی علت محرومیت توده مردم از حقوق سیاسی را نیز جهل و بی خبری آنها می‌داند:

تَا نَشُوْدُ جَهْلَ مَا بَهْ عِلْمٍ مَبْدَلٌ
تُوْدَهْ مَا فَاقِدُ حَقُوْقَ سِيَاسِي اسْتِ
پیش ملل، بندگی ما است مسجل
پیروجوان، شیخ و شاب و کامل و اکمل
(فرخی، پیشین: ۲۴۸)

فرخی درمان درد جهل و نادانی را علم آموزی و عمل بدان دانسته و معتقد است اگر مردم به دانایی روی نیاورند باید به بندگی تن دهند:

بَا عَمَلٍ وَ عَمَلٍ اِگَر مَهِيَا نَشُوْمِ
نَادَانِي وَ بِنْدَگِي اسْتِ تَوَامٌ، بَه خِدَائِي
همدوش به مردمان دنیا نشویم
مابنده شویم اگر که دانا نشویم
(فرخی، پیشین: ۳۸۶)

زهاوی نیز بخشی از دیوان خود به نام «القارعات» را به تشویق مردم به علم آموزی اختصاص داده است. آگاهی از پیشرفت علمی غرب و نیز مشاهده رواج جهل و بیسوادی رایج در کشورهای شرقی، وی را برآن داشت تا درضمن اشعاری، مردم را به فراگیری علم و دانش و دوری از جهل و بیسوادی دعوت نماید. او علم را به سان سلاحی می‌داند برای مبارزه با دشمن، نخست باید مردم را بدان مجهز نمود. به باور وی دانش اندوخته ای است که برخلاف علم و ثروت، پایان نیافتنی است:

ألبس سلاح العلم ثم ادع الخصوم إلى النزال
حکم الزمان علی رؤوس لیس تعلم بالزوال
رَبَّ الجِهَالَةِ سافل نکد و رَبَّ العلم عالی
العلم للإنسان ذخر أول و المال تالی
(زهاوی، ۱۹۷۹: ۷۴)

زهاوی علم و دانش را مایه شفای نفوس مردم از بیماری‌های داند و معتقد است علم همانند خورشیدی است که با انوار درخشان خود می‌تواند سینه جهل و تاریکی را بشکافد:

والعلمُ إنَّ العلمَ براء
للفوس من السقام
یا علم أنت الشمس قد
بزغت تضىء بلا لثام
مزق کبرق خاطف
یا علم أحشاء الظلام
(همان: ۷۵)

۶- مبارزه با فقر و تضاد طبقاتی

پرداختن به فقر و غنا مقوله‌ای با سابقه و قدیمی است که در ادبیات همه ملل جای ویژه‌ای دارد. از آنجا که ادیب نازک شعورتر و تیزبین‌تر از دیگران است، از قدرت و توانایی بیشتری نیز در بیان ابعاد این امر برخوردار است.

فرخی در بخش‌های متعددی از اشعارش به شیوع فقر و تنگدستی در میان مردم اشاره نموده و آن را مایه بدبختی و خواری آنها به شمار می‌آورد:

دردهرچوما کسی بدین ذلت نیست
وین ذلت بی کرانه بی علت نیست
دولت زکه جلب نفع و سرمایه کند
وقتی که زفقر نامی از ملت نیست
(فرخی، پیشین: ۳۲۸)

او معتقد است که وقتی مرگ و نابودی برای همه یکسان است باید ثروت و دارایی دنیا نیز به طور یکسان در میان آنها تقسیم شود:

در ملک جهان زوال مال همه است
هنگام خوشی منال مال همه است
پامال غنی بود تهیدست چرا؟
گر نعمت و جاه و مال، مال همه است
(همان: ۳۲۳)

فرخی معتقد است که زحمتکشان تهیدست روزی انتقام خویش را از اشراف بازستانده و به حق خود خواهند رسید:

ریزد عرق هر آنچه زپیشانی فقیر
سرمایه‌دار جای می‌ناب می‌خورد
غافل نشو که داس دهاقین خون جگر
روزی رسد که برسر ارباب می‌خورد
(همان: ۱۳۶)

زهاوی نیز در ضمن برخی از اشعار خود به رواج فقر و تنگدستی در میان مردم اشاره کرده است. وی در قصیده‌ای با عنوان «أرملة الجندی» وضعیت زنی را به تصویر کشیده است که همسر خود را در جنگ از دست داده و به فقر فرزاینده‌ای گرفتار شده است. زهاوی فقر را به حیوان درنده‌ای تشبیه کرده که چنگالهای تیز خود را به زن نمایانده و او را به دردی سخت مبتلا ساخته است. او همچنین حالت شرمساری زن را در هنگام گدایی توصیف کرده و در ادامه می‌گوید، این زن نباید از وضع خود شرمسار باشد بلکه این حکومت است که باید از عملکرد خود شرمسار گردد:

هناک أبدی الجوع ناجذة لها
وزاد بها الداء الذی هو معضل
تمدیدیدها بالسؤال ضعيفة
وتخجل منهم حينما هی تسأل

أرملة الجندي لاتخجلى فمن
حقوق العلى أن الحكومة تخجل
(زهاوی، ۱۹۷۹: ۹۲-۹۶)

نتیجه‌گیری:

یافته‌های این پژوهش مقایسه‌ای که بر اساس مکتب آمریکایی به مقایسه اشعار دوشاعر فارسی و عربی پرداخته عبارت است از:

- هر دو شاعر به میزان قابل توجهی از شرایط اجتماعی و سیاسی عصر خویش تأثیر پذیرفته‌اند.
- به دلیل قرارگرفتن در شرایط مشابه، هر دو شاعر به موضوعات مشابهی در اشعار خود پرداخته‌اند.
- محورهای یکسان اشعار این دوشاعر عبارت است از:
 - وطن پرستی
 - استدادستیزی
 - استعمارستیزی
 - مبارزه با جهل و دعوت به علم‌آموزی
 - مبارزه با فقر و تضاد طبقاتی

فهرست منابع:

- ۱- احمد السامرائی، *ماجد، التيار القومي، في الشعر العراقي الحديث، بی جا، دارالشؤون الثقافية والنشر: ۱۹۸۳*
- ۲- البعینی، نجیب، *موسوعة الشعراء العرب المعاصرين، ج ۲، چاپ دوم، لبنان، دارالمناهل: ۲۰۰۹*
- ۳- پارسا دوست، *منوچهر، نقش عراق در شروع جنگ، تهران، شرکت سهامی انتشار: ۱۳۶۹*
- ۴- جلیلیان، صبری، *جمیل صدقی الزهاوی و جایگاه او در شعر معاصر عربی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس: ۱۳۸۱*
- ۵- دری نیک، جان پی یر، *خاورمیانه در قرن بیستم، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران، نشر جاویدان: ۱۳۶۸*
- ۶- الرشدی، عبدالحمید، *الزهاوی: دراسات و نصوص، بیروت، دارمکتبه الحیاء: ۱۹۶۶*
- ۷- صدقی الزهاوی، جمیل، *دیوان، چاپ دوم، بیروت، دارالعودة: ۱۹۷۹*
- ۸- شامی، یحیی *موسوعة شعراء العرب، ج ۳، چاپ اول، بیروت، دارالفکر العربی: ۱۹۹۹*
- ۹- عزالدین، یوسف، *الشعر العراقي الحديث و التيارات السياسية والاجتماعية، قاهره، دار المعارف: بی تا*
- ۱۰- *الشعر العراقي (اهدافه و خصائصة في القرن ۱۹)، قاهره: دار المعارف: ۱۹۵۷*
- ۱۱- علی بابایی، داود، *سه شاعر انقلابی، تهران، انتشارات امید فردا: ۱۳۸۴*
- ۱۲- فرخی یزدی، *دیوان، چاپ اول، تهران، نشرقطره: ۱۳۸۰*
- ۱۳- کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر: ۱۳۵۶*
- ۱۴- ناجی، هلال، *الزهاوی و دیوانه المفقود، چاپ اول، قاهره، دارالعرب: ۱۹۲۹*
- ۱۵- الهلالی، عبدالرزاق، *مقدمه دیوان زهاوی، ج ۱، چاپ دوم، بیروت، دارالعودة: ۱۹۷۹*